

همسان سازی جهانی

استقرار استانداردهای

بین المللی گزارشگری مالی

ترجمه: حمیدرضا علمشاهی

بایک سیستم انضباطی مقررات ضروری است تا از رعایت جدی سه شرط پیشگفته اطمینان یابیم. سرانجام در مرحله آخر و مهمتر از همه، ضروری است که همه افراد درگیر در زنجیره گزارشگری مالی، یعنی کسانی که اطلاعات را فراهم می کنند، مشاوران، مدیران، هیئت مدیره و کمیته حسابرسی، حسابسان مستقل، مراجع تنظیم مقررات، تحلیلگران و رسانه های گروهی، درستکارانه و مطابق موازین اخلاقی عمل کنند.

همسان سازی به عنوان یک نیاز در اقتصاد

جهانی

همه ما با این موضوع موافقیم که همسان سازی استانداردهای بین المللی در اقتصاد جهانی ضروری است. دست کم از جنبه نظری این توافق وجود دارد که داشتن مجموعه واحدی از استانداردهای با کیفیت بالا، به سود سرمایه گذاران است و از هزینه های اداری برای دسترسی به بازارهای سرمایه در سراسر جهان می کاهد. در یک بازار سرمایه یکپارچه، منطق وجود مجموعه واحدی از استانداردها آشکار است، زیرا که این مجموعه واحد، مقایسه پذیری و درک گزارشگری مالی را بهبود می بخشد و به کارگیری سرمایه در فراسوی مرزها را کارتر می سازد. حسابداری زبانی مشترک است و جهانی سازی فعالیتهای مالی به طور فزاینده ای نیازمند استفاده از این زبان مشترک است.

متن سخنرانی دل واله (J.J.F. Del Valle) جانشین رئیس فدراسیون بین المللی حسابداران در گردهمایی سالانه انجمن بانکاران قاره امریکا در مکزیک، سپتامبر ۲۰۰۵

همان گونه که می دانیم دسترسی به اطلاعات کافی و مطمئن در زمینه گزارشگری مالی برای تامین سلامت و رشد اقتصاد ضروری است و همه ما از آنچه برای داشتن اطلاعات مناسب و مطمئن ضروری است، آگاهیم.

در مرحله نخست، ما نیازمند استانداردهایی در حسابداری هستیم که پایدار، جامع و مبتنی بر اصولی روشن در ارتباط با واقعیات اقتصادی و به اندازه کافی همسان باشند تا در جهان یکپارچه ای که ما امروز در آن زندگی می کنیم امکان استفاده از آنها و مفهوم بودنشان برای همگان فراهم باشد.

در مرحله دوم، وجود روشهای مناسب راهبری بنگاه در کنار سایر موارد ضروری است تا از اعمال کنترلهای داخلی مناسب و استقرار موثر استانداردهای حسابداری مطمئن شویم.

در مرحله سوم، حضور حسابسان کارآمد و اثربخش که به عنوان مرجعی مستقل، اتکاپذیری اطلاعات فراهم شده توسط شرکتها بر اساس این استانداردها را تایید کنند، ضرورت دارد.

در مرحله چهارم، وجود سازوکار نظارتی یا کنترل کیفی همراه

درازی در پیش روست.

موانع و چالشهای عمده امروزی کدام است؟

دو موردی که اغلب از آنها یاد می شود یعنی برگردان استانداردها به زبانهای مختلف و پیچیدگی و ساختار استانداردهای بین المللی حسابداری، بی گمان موضوعهایی است که ممکن است تاثیرگذار باشد اما موانع اصلی به شمار نمی آید. ترجمه استانداردها موضوعی ابزاری است که اگر عزم برای انجام آن وجود داشته باشد، قابل حل خواهد بود. از سوی دیگر هر روز توافق بیشتری در تمام جنبه ها در زمینه نیاز به کاهش سطح پیچیدگی استانداردها، بدون از دست رفتن کیفیت آنها پدید می آید. گرچه اهمیت این مسئله به اندازه ای نیست که ساده سازی استانداردها به عنوان هدفی مهمتر از این هدف قرار گیرد که هر چه زودتر یک زبان مشترک داشته باشیم.

سومین موضوعی که فدراسیون قویاً در این اواخر یادآور شده، نیاز به بررسی وضعیت ویژه شرکتهای کوچک و متوسط است. نیازهای این گونه واحدهای اقتصادی شایسته بررسی است و در همین رابطه در خور قدردانی است که هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری (IASB) تصمیم گرفته است دوباره به این موضوع بپردازد، زیرا این موضوع برای مدتی کنار گذاشته شده بود. اگرچه هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری این موضوع را در نظر داشته که استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRSs) برای هر گونه شرکت، چه بزرگ و چه کوچک، کاربرد داشته باشد ولی اکنون دریافته است که در بیشتر کشورهای توسعه یافته که در آنها این استانداردها به کار گرفته می شود، نخست شرکتهای پذیرفته شده در بورس پیشگام این کار بوده اند. به این ترتیب، به عنوان مثال در اروپا، تنها معدودی از کشورها کاربرد این استانداردها را برای شرکتهای کوچک و متوسط الزامی ساخته اند. در دیگر کشورها، این گونه شرکتهای مجازند از استانداردهای حسابداری ملی پیروی کنند. بنابراین هیئت پیشگفته به این نتیجه رسیده که بهتر است مجموعه ای از استانداردهای حسابداری بر پایه استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی برای شرکتهای کوچک و متوسط تدوین شود. این استانداردها باید سازگار با چارچوب نظری استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی، پاسخ مناسبی برای نیازهای استفاده کنندگان بیرونی گزارشهای شرکتهای فراهم سازند، از نظر

همسان سازی بین المللی همچنين بر مواردی که پیش از این بر شمرده شد، یعنی راهبري شرکتهای حسابرسي، استانداردهای اخلاقی و سازوکارهای نظارت یا کنترل کیفی اثر می گذارد. تاکید بر این موارد ضرورتاً به معنای نیاز به یک زبان مشترک نیست بلکه نیاز اصلی به اطمینان یافتن از روشها و رویه های با کیفیت بالا در سراسر جهان است و در مورد نظارت یا کنترل کیفی نیز به پرهیز از دوباره کاریهای غیر ضروری نیاز وجود دارد.

فدراسیون بین المللی حسابداران (IFAC) که نماینده بیش از ۱۶۰ سازمان حسابداری در نزدیک به ۱۲۰ کشور جهان است، به همسان سازی به عنوان یکی از مهمترین هدفهای خود نگریسته و آن را برای تحقق رسالت خود در حمایت از منافع عمومی ضروری می داند. به همین دلیل است که فدراسیون خود را به شدت متعهد به همسان سازی استانداردهای جهانی دانسته و **بیانیه های تعهدات اعضا (SMOs)** را که نشان دهنده تعهدات اعضای فدراسیون برای به کار بستن کوشش خود به منظور گنجاندن استانداردهای بین المللی در مجموعه استانداردهای ملی متناظر است، صادر کرده است.

همسان سازی بین المللی و استقرار استانداردهای بین المللی حسابداری

برای روی آوردن به همسان سازی استانداردهای حسابداری در محیطی مانند محیط امروز، می توانیم دست کم دو سطح ممکن از تحلیل را تا جایی که به همسان سازی استانداردهای حسابداری مربوط می شود، مشخص سازیم. در همین رابطه با طرح دو پرسش زیر، می توانیم این سطوح را تشخیص دهیم.

- ۱- چرا هنوز مجموعه ای از استانداردهای بین المللی حسابداری شامل متداولترین آنها و یا آنهایی که بیشترین تاثیر را بر اقتصاد دارند، به وسیله همه و یا بیشتر کشورها بکار گرفته نمی شود؟
- ۲- اشکالات عمده ای که واحدهای اقتصادی هنگام به کارگیری استانداردهای بین المللی حسابداری با آنها روبه رومی شوند، کدام است؟

موانع همسان سازی در سطح جهانی

اگر نگاهی به وضعیت موجود در مورد همسان سازی استانداردهای حسابداری بیفکنیم، این نتیجه را می گیریم که سرعت پیشرفت در این زمینه زیاد بوده است. ولی هنوز این هدف تامین نشده و راه

جهانی مقایسه پذیر باشند و مسیر اطمینانبخشی برای انتقال آسان به مرحله استفاده کامل از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی فراهم کنند. ایجاد چنین استانداردهایی مانع از افزایش استانداردهای حسابداری ملی گوناگون برای این نوع واحدهای اقتصادی خواهد شد.

روش هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری در این پروژه کاملاً مناسب است. اگرچه هنوز شرکتهای کوچک و متوسط مورد اشاره هیئت است ولی هیئت واقعاً تصمیم گرفته است که مجموعه نوینی از استانداردها را برای شرکتهایی که پاسخگویی عمومی ندارند ولی صورتهای مالی همگانی را برای استفاده کنندگان بیرونی این صورتهای تهیه می کنند، طراحی کند. پیش بینی می شود که نخستین پیش نویس این گونه استانداردها تا ماه مارس ۲۰۰۶ منتشر شود که مطمئناً گام مهمی در حذف یکی از موانع مهم در فرایند همسان سازی بین المللی استانداردهاست.

چه موانع دیگری وجود دارد؟ آیا مشکلات فنی وجود دارد؟

هر کسی که فکر کند موضوع اصلی، مسئله ای فنی است، اشتباه می کند. اگرچه روشن نیست اما مباحث فرهنگی، الگوها و جنبه های سیاسی موضوعهایی است که بیشترین تاثیر را بر این

فرایند دارد. هر چند همه از لحاظ نظری طرفدار همسان سازی هستند اما به همین اندازه تمایل به تغییر روشهای موجود برای آسان کردن همسان سازی ندارند. بارها این بحث به عنوان بحثی فنی مطرح می شود اما آنچه واقعاً مورد بحث قرار می گیرد، جنبه های دیگری است که با اهمیت تر است.

در نتیجه کار هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری در طی چند سال گذشته، استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، امروز به شکل مجموعه ای از استانداردهای جامع، یکنواخت و با کیفیت بالا در دسترس است. آیا این استانداردها ممکن است بهبود یابد؟ بی گمان ممکن است. آیا این بهبود پیش نیازی ضروری برای همسان سازی است؟ بی گمان چنین نیست.

به این ترتیب آیا نباید برای یکنواختی مجموعه ای از استانداردها و به عبارت دیگر هم شکل ساختن زبان، بیشترین ارزش را قائل شد؟ امروز چه چیزی ارزشمندتر است و چه چیزی برای منافع عمومی سودمندتر است؟ یافتن بهترین استاندارد، یا توافق در مورد یک استاندارد خوب که برای همگان قابل کاربرد و مفهوم باشد؟

اما منظور این نیست که برای رسیدن به همسان سازی ما باید از کیفیت کار بکاهیم و یا در مورد آن سازش کنیم. برعکس، فرایند

**در نتیجه کار
هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری
در طی چند سال گذشته
استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی
امروز به شکل مجموعه ای از
استانداردهای جامع
یکنواخت
و با کیفیت بالا در دسترس است**

همسان سازی الزاماً به انجام اصلاحات در استانداردهای انجماد و دست کم از جنبه نظری، گزینش بهترین مدل و یا بهترین معیار و یا حتی ایجاد معیار یا مدلی تازه که بهتر از معیارها یا مدل‌های موجود باشد، امکان پذیر است. ارجح این است که با حفظ سطح کیفیت قابل قبول، بحث فنی با هدف کمالگرایی به تاخیر افتد و کوشش شود بعضی اولویتها به نفع یک هدف متعالی یعنی ارائه یک زبان واحد به جامعه استفاده کننده از گزارشگری مالی که برای همگان نیز مفهوم باشد، متوقف شود.

به همین دلیل ما همچنین باید مطمئن باشیم که در پشت مباحث فنی معین، هیچ گونه قصدی برای به تاخیر انداختن و یا دوری جستن از فرایند همسان سازی وجود ندارد.

اهمیت رهبری چند کشور معین

کشورهای بیشتر توسعه یافته و کشورهایی که نفوذ بیشتری بر اقتصاد جهانی دارند باید نقش رهبری را در فرایند همسان سازی به عنوان کوششهایی که بر دیگر کشورها تاثیر می گذارد، برعهده بگیرند. همسان سازی به این ترتیب به دست خواهد آمد.

بی گمان به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای شرکتهای پذیرفته شده در بورس، انگیزه بسیار زیادی در فرایند همسان سازی ایجاد کرده است. کشورهای دیگر مانند استرالیا و زلاندنو نیز استانداردهای بین المللی را به کار بسته اند. اما امروز ایالات متحده آمریکا مرکز توجه است. البته کشورهای اصلی دیگری نیز وجود دارند مانند ژاپن و چین. اگر این کشورها بتوانند همسان سازی را به انجام برسانند، دیگر کشورهای جهان مطمئناً با آنها همراهی خواهند کرد.

بی گمان مورد ایالات متحده آمریکا اهمیت ویژه ای دارد. در آوریل امسال در نشستی که در واشنگتن برگزار شد، برنامه و راهکاری با حضور نمایندگان اتحادیه اروپا و کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) مورد بحث و بررسی قرار گرفت و این هدف تعیین شد که الزام شرکتهای غیر آمریکایی پذیرفته شده در بورس برای تطبیق با استانداردهای آمریکا تا سال ۲۰۰۹ و نه دیرتر از آن برداشته شود.

اخیراً نیز رئیس هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری رسماً اعلام کرده است که هدف فوری این هیئت و هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB) توافق در مورد طرح ویژه ای با زمانبندی مشخص است که در صورت انجام

توافق، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا می تواند الزام به تطبیق با استانداردهای آمریکا را تا پایان سال ۲۰۰۷ یا آغاز سال ۲۰۰۸ بردارد. وی همچنین گفته است که دستیابی به همسانی کامل میان استانداردهای حسابداری بین المللی و آمریکایی برای داشتن الزام تطبیق با استانداردهای آمریکا، ضروری نخواهد بود؛ اگر پیشرفت کافی در زمینه های اصلی که هم استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRSs) و هم اصول پذیرفته شده حسابداری آمریکا (USGAAP)، هر دو، نیاز به اصلاحات اساسی دارند، صورت پذیرد. در همین رابطه هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری و هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، مواردی را که نیاز به اصلاح مشترک دارند، مشخص کرده اند. تمرکز اصلی بر روی دستیابی به یک استاندارد مشترک اصلاح شده به جای صرفاً حذف تفاوت‌های موجود خواهد بود. با این زمانبندی البته جای بحث موافقان و مخالفان وجود دارد اما نمی توان نادیده گرفت که هر دو این هیئت‌ها، نمونه های خوبی از کار مشترک تا حد امکان هستند.

همچنین توجه به این موضوع مهم است که هر دو این هیئت‌ها به عنوان بخشی از فرایند همسان سازی، کار بر روی پروژه چارچوب نظری را آغاز کرده اند. این پروژه بی گمان به اطمینان یافتن از اینکه در آینده، استانداردهای حسابداری منتشر شده از سوی این هیئت‌ها از بنیان مشترکی برخوردار است که از ریسک ناهمسانی می کاهد، کمک خواهد کرد.

مشکلات ویژه واحدهای اقتصادی بخش مالی

مشکلات ویژه ای که واحدهای اقتصادی بخش مالی هنگام به کارگیری استانداردهای بین المللی حسابداری با آنها روبه روست، کدام است؟

پیش از هر چیز باید گفته شود که این بخش، فعالیت بسیار مشخصی دارد و به همین دلیل پاسخهای ویژه ای را می طلبد. نخستین مشکل در ارتباط با همسان سازی، اعمالی است که مراجع کشورهای معین به هنگام رویارویی با موقعیتهای نامتعادل اعم از موقت و یا دائمی به ناچار انجام می دهند. در برخی از این شرایط، این مراجع ناگزیر تصمیمهای سیاسی می گیرند و به کارگیری معیاری را که از دیدگاه فنی به طور کامل پذیرفتنی نیست، مجاز می شمارند. بدون کوشش برای یک قضاوت ارزش مدار، روشن است که پیروی از مجموعه ای از استانداردهای بین المللی با

کیفیت، که گزینه های چنین کشورهایی را در نظر نمی گیرد، یک محدودیت به شمار می آید. بی گمان چنین محدودیتی با وجود این واقعیت که به خاطر منافع عمومی است، در واقع مانعی برای همسان سازی محسوب می شود.

دومین موضوع به اختلاف میان معیار حسابداری و «معیار محافظه کاری» اشاره دارد. هنگام اشاره به واحدهای اقتصادی سیستم مالی، این موضوع به موضوع اصلی در فرایند همسان سازی با استانداردهای بین المللی تبدیل می شود.

این باور وجود دارد که روش و دیدگاه تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری ممکن است متفاوت از روش و دیدگاه مراجع مسئول و یا مراجع محافظه کار باشد. باید گفت کسانی که این چنین می اندیشند، باور دارند که:

● استانداردهای حسابداری از یک سو بر آن است که نتایج رویدادها و مبادلات گذشته را نشان دهد و اخیراً نیز بیش از گذشته، در کوشش برای نشان دادن وضعیت اقتصادی و مالی واقعی و منصفانه واحدهای اقتصادی، این استانداردها از معیارهای محافظه کارانه و سنتی جدا شده است.

● از سوی دیگر، هدف مراجع مسئول نهادهای سیستم مالی، تثبیت محافظه کاری به عنوان رفتار واحدهای تحت سرپرستی آنهاست و به این ترتیب آنها معیارهای محافظه کارانه تری را ترجیح می دهند و توجه خودشان را هر چه بیشتر بر روی آینده نگری متمرکز می کنند تا نگاه به نتایج گذشته، زیرا که ریسک ضرورتاً مفهومی مرتبط با آینده است.

پرسش اساسی این است که آیا برآستی با موقعیتهای ناسازگاری روبرو هستیم یا اینکه برعکس با فرصتی روبرو هستیم که هر دو دیدگاه متقابلاً یکدیگر را تقویت می کنند؟

بی گمان، ملاحظه بیش از یک دیدگاه، موضوعی بحث انگیز است. اما کوشش به منظور همسان سازی برای واحدهای اقتصادی حاضر در این بخش، موضوعی حیاتی است.

اشاره به نکات زیر در ارتباط با موضوع یادشده ضروری است. هدف استانداردهای حسابداری، تهیه صورتهای مالی با مقاصد عمومی است که عمدتاً و پیش از هر چیز برای برآوردن نیازهای کسانی که منابع مالی واحدهای اقتصادی را تامین می کنند یعنی خریداران سهام و اوراق قرضه، تهیه می شوند. عقیده بر این است که اگر این استانداردها، نیازهای این گروه از استفاده کنندگان از صورتهای مالی را برآورده سازد، نیازهای اصلی گزارشگری سایر

استفاده کنندگان نیز برآورده خواهد شد.

حال اگر بخش مالی یعنی بانکها، شرکتهای بیمه، کارگزاران اوراق بهادار، صندوقهای بازنشستگی و غیره را مورد توجه قرار دهیم، خواهیم دید که برخلاف دیگر فعالیتهای، در این موارد استفاده کنندگان مهم دیگری به نام ذینفعان و ذینفعان بالقوه وجود دارند که سپرده های خود را به این واحدها سپرده اند و یا در فکر چنین کاری اند و یا می خواهند ریسکهایشان را در این شرکتها پوشش دهند. با توجه به این گونه استفاده کنندگان از صورتهای مالی، موضوع عدم تقارن گزارشگری به روشنی اهمیت می یابد و نقش سرپرستی یا مرجع مقررات عمومی بسیار مهم می شود.

مراجع ناظر بهتر از هر کسی می داند که چه اطلاعاتی برای ارزیابی وضعیت شرکتهای تحت نظارت آنها مورد نیاز است. کیفیت سرمایه، کیفیت داراییها، ریسک بازار، کیفیت سود و نقدینگی، برخی از جنبه های اساسی است که مراجع ناظر می خواهند اطلاعات کافی راجع به آنها در صورتهای مالی داشته باشند.

این سطح از اطلاعات ممکن است از نظر ماهیت و جزئیات از اطلاعات لازم برای سایر فعالیتهای، متفاوت باشد. این موضوع به نوبه خود این پرسش را مطرح می کند که آیا ضروری است این اطلاعات در صورتهای مالی با مقاصد عمومی منظور شود، یا اینکه باید به عنوان اطلاعات مخصوص مرجع ناظر تلقی شود؟ اگر چه همواره تعیین حدود آسان نیست، موقعیت کسانی که ترجیح می دهند شفاف سازی را گسترش دهند و تاجای ممکن از اطلاعات خاص که جنبه همگانی ندارد، دوری گزینند، منصفانه به نظر می رسد. اگر مشکل به درستی تعریف شود، راه حل آن بیشتر جنبه ابزاری دارد.

گفتگوی میان تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و مراجع مقررات عمومی و نظارتی باید راه حل های مناسبی را به دست دهد. به گفته مالکولم نایت (Malcolm Knight) راه حل در آمیزش دیدگاههای متفاوت است. این گفته در بیشتر موارد به این معنی است که برای حل مسائل از اطلاعات تکمیلی استفاده کنیم. در همین رابطه، هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری چندی پیش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شماره ۷ (IFRS7) را در رابطه با موارد افشای ابزارهای مالی منتشر کرده است. این استاندارد برای تمام مخاطرات ناشی از استفاده از ابزارهای مالی، به جز آنهایی که توسط استانداردهای تخصصی تری پوشش داده می شود، مانند موارد سرمایه گذاری در شرکتهای

ضروری است که
همه افراد درگیر در
زنجیره گزارشگری مالی
یعنی کسانی که اطلاعات را فراهم می کنند
مشاوران
مدیران
هیئت مدیره و
کمیته حسابرسی
حسابرسان مستقل
مراجع تنظیم مقررات
تحلیلگران و
رسانه های گروهی
درستکارانه و مطابق موازین اخلاقی عمل کنند

و کارشناسان مربوطه ممکن است به دست آید.
 انتظار می رود که این بیانیه بتواند به نحو مهمی در به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی از سوی واحدهای اقتصادی در بخش مالی موثر باشد.
 با این حال هنوز کار زیادی برای رفع چالشهای موجود در همسان سازی بین المللی در پیش روست. هر یک از دو هیئت در حوزه مسئولیت خود به رویارویی با چالشهای مربوط به ارائه استانداردهای با کیفیت بالا طی فرایندی شفاف که در سطح بین المللی قابل استفاده بوده و پاسخگویی منافع مشروع عمومی باشد، ادامه خواهد داد.
 می دانیم که در این راه ما تنها نیستیم؛ بسیاری از دولتها، قانونگذاران، تدوین کنندگان استانداردهای ملی و واحدهای اقتصادی و شرکتی که باید اطلاعات را فراهم کنند، نقش مهمی در این رابطه دارند.



منبع:

International Federation of Accountants, 2005

وابسته، شرکتهای فرعی و مشارکت خاص، مزایای پس از بازنشستگی، پرداختهای مبتنی بر سهام و قراردادهای بیمه، کاربرد دارد. هر چند این استاندارد برای همه واحدهای اقتصادی کاربرد دارد اما میزان افشای مورد نیاز، به استفاده واحدها از ابزارهای مالی و مخاطرات مربوط به آنها بستگی دارد. بنابراین، این استاندارد بویژه برای موسسه های مالی، تا آنجا که جایگزین استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۳۰ (IAS 30) می شود، کاربرد دارد.

در میان موضوعهای مطرح شده در استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شماره ۷، الزام شرکتهای به افشای اطلاعات کمی و کیفی درباره میزانی است که آنها در معرض مخاطرات ناشی از استفاده از ابزارهای مالی هستند و شامل حداقل موارد افشای خاص در ارتباط با مخاطرات اعتبار، مخاطرات نقدینگی و مخاطرات بازار است. الزامات مربوط به افشای کیفی، هدفها، سیاستها و روشهای مدیریت برای اداره این گونه مخاطرات را در بر می گیرد. موارد افشای کمی نیز اطلاعاتی را درباره میزان در معرض خطر بودن شرکت فراهم می کند که براساس اطلاعات داخلی گردآوری شده برای مدیریت اصلی شرکت استوار است. افزون بر این، استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شماره ۷، با افزودن الزامات افشا در موارد زیر برای همه شرکتهای اصلاحاتی را در استاندارد بین المللی حسابداری شماره یک (IAS 1) نیز انجام داده است:

- هدفها، سیاستها و روشهای شرکت برای مدیریت سرمایه،
 - داده های کمی در مورد آنچه شرکت به عنوان سرمایه قلمداد می کند،
 - اینکه شرکت همه الزامات مربوط به سرمایه را رعایت کرده است، و
 - اگر رعایت نکرده است، آثار رعایت نکردن چیست؟
- این گونه الزامات اطمینان می دهد که شرکتهای اطلاعات لازم درباره میزان سرمایه خودشان و چگونگی مدیریت آن را ارائه می کنند. این اطلاعات برای استفاده کنندگان در هنگام ارزیابی شمای مخاطرات شرکت اهمیت می یابد و آنها را برای رویارویی با رویدادهای پیش بینی نشده توانا می سازد.

به هنگام صدور این بیانیه جدید، هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری با پشتیبانی یک گروه مشاوره یعنی کمیته مشورتی فعالیتهای مالی، کار خود را انجام می داد. بی گمان این نمونه ای از نتایج خوبی است که از گفتگوی میان تدوین کنندگان استانداردها